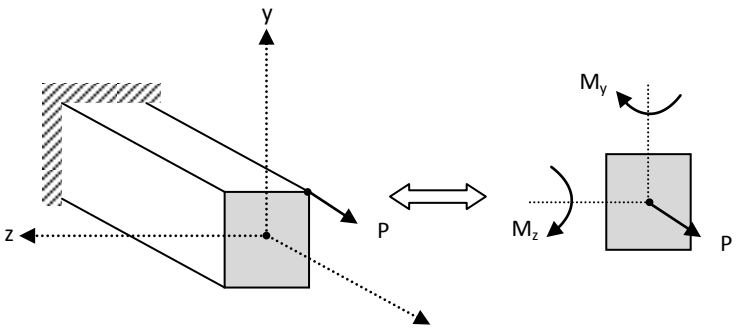
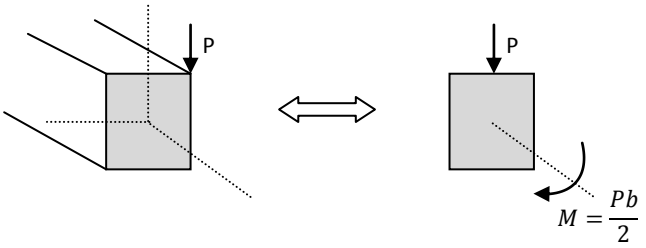


د) اگر نیرو از مرکز جرم نگذشته باشد :

$$M_y = -\frac{Pb}{2}\ ,\ M_z = -\frac{Ph}{2}$$

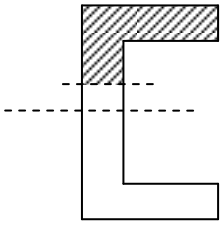
$$\sigma = \frac{P}{A} + \frac{M_y z}{I_y} + \frac{M_z y}{I_z}$$

ه) گشتاور حول x که باعث پیچش می‌شود :

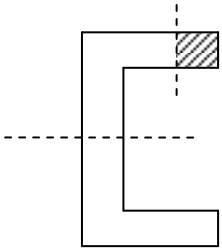


جریان برش در جدارنازک‌ها:

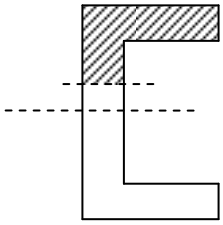
هرگاه عرض برش زده کم بود (مانند جدارنازک‌ها) فرض می‌شود که تنش برشی روی سطح یکنواخت است.



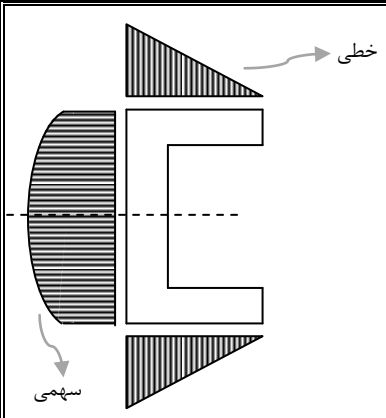
$f = \frac{VQ}{Ib} \times b = \frac{VQ}{I}$ جریان برش



$\tau = \frac{VQ}{Ib}$ → متناسب با Q به صورت خطی در طول تغییر می کند .

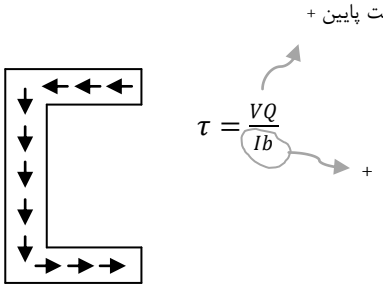


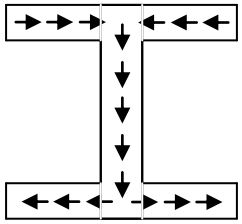
$\tau = \frac{VQ}{Ib}$ → متناسب با Q به صورت سهمی در ارتفاع تغییر می کند .



- نمایش تغییرات تنش برشی در طول و ارتفاع :

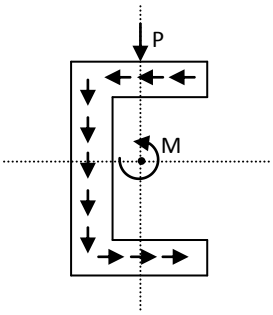
- نمایش جهت تنش برشی در طول و ارتفاع :



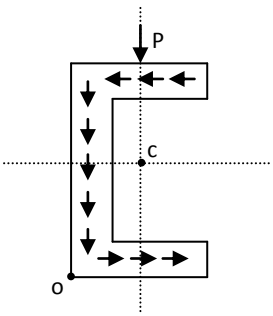


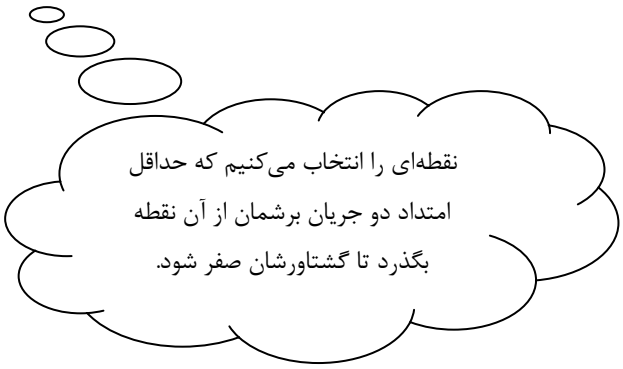
- در خمش جریان برش به گونه ایست که از یک طرف وارد و از طرف دیگر خارج می شود. بر خلاف جریان برش در پیچش که همواره دوران‌وار بود.

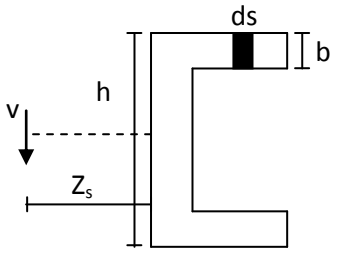
در جدارنازک‌ها باید دقت شود که تعادل حول مرکز سطح بررسی شود و بار به جایی وارد شود که سطح جدارنازک ما تحت پیچش قرار نگیرد :



برای پیدا کردن محل وارد کردن با بدون ایناد پیچش :







$$\int_0^d \tau\,(bds)h = VZ_s$$

$$\int_0^d \frac{VQ}{IB}.bh.ds = VZ_s \quad \rightarrow \quad \frac{h}{I}\int_0^d Qds = Z_s$$

از طرفی : $Q = b \times S \times \frac{h}{2}$ $\rightarrow$ $\frac{h^2 b}{2I}\int_0^d SdS = Z_s$ $\rightarrow$ $\boxed{Z_s = \frac{h^2 bd^2}{4I}}$

(Z_s : مرکز برش)